



گفت‌وگو
صبا با داریوش
کاردان بازیگر
و صداپیشه
پیشکسوت:

لحن من طعنه‌دار است

کاردان در بخش دیگری از گفت‌وگو با اشاره به سابقه کاری خود یادآور شد: نخستین برنامه طنز بعد از انقلاب را در نوروز ۷۲ با مرحوم مهرداد خسروی ساختم که مسیر طنز در کشور را تغییر داد. بعد هم «صدلی داغ» را اجرا کردم که ترکیبی از شوخی و سؤال‌های جدی سیاسی و اجتماعی بود. همیشه ذهنم پر از ایده بوده و دوست داشتم برنامه‌های اثرگذار بسازم. لحن من رک، کنایه‌آمیز و طعنه‌دار است، اما در کمال ادب سؤالاتی را می‌پرسیدم که ذهن مخاطب را درگیر کند. اما امروزه سفارش دهندگان دنبال چیزهای دیگری هستند؛ اینکه چه زمانی عاشق شده‌اند یا در کودکی چه کارهایی کرده‌اند، اما کسی از آنها نمی‌پرسد آیا فلان وزارتخانه را درست اداره کرده‌اند یا خیر. او با نگاهی انتقادی یادآور شد که مسیر پرسشگری رسانه‌ها تغییر کرده و کمتر به سراغ مسائل اساسی جامعه می‌روند.

او درباره فعالیت‌های اخیرش نیز گفت: کارم در سریالی به نام «سرباز کوچک» تمام شده است. چند پیشنهاد برنامه و مسابقه هم دارم که هنوز در حال گفت‌وگو هستیم. معمولاً فیلمنامه‌ها را می‌خوانم و خیلی وقت‌ها هم رد می‌کنم. برای من کیفیت مهم‌تر از کمیت است و به همین دلیل خیلی از کارها را نمی‌پذیرم.

کاردان در پایان درباره کارگردان «بنز ایرانی» گفت: رضا استادی دقیق می‌دانست چه می‌خواهد بسازد و تحقیق گسترده‌ای انجام داده بود. سماجت و استواری زیادی داشت و برای این فیلم زحمت فراوان کشید. امیدوارم پس از دیده شدن «بنز ایرانی» تجربه بیشتری کسب کند و در آینده کارهای بهتری خلق کند. همچنین امیدوارم مرکز گسترش سینمای مستند از چنین استعداد‌های جوان بیشتر استفاده کند. او تأکید کرد که فیلمسازان جوان نیازمند حمایت جدی هستند و اگر فرصت دیده شدن داشته باشند، می‌توانند مسیر تازه‌ای برای مستندسازی ایران باز کنند.

داریوش کاردان طی سال‌های فعالیت هنری خود در عرصه‌های مختلف از دوبله و صداپیشگی گرفته تا اجرا در برنامه‌های پر مخاطب تلویزیونی همچون «صدلی داغ» حضور داشته است. او در کنار فعالیت‌های تلویزیونی و رادیویی، بازی در آثار سینمایی را نیز تجربه کرده است. از فیلم‌های او می‌توان به «خدای جنگ» و «دفتر یادداشت» اشاره کرد. کاردان همچنان پرانرژی و فعال به دنبال پروژه‌هایی است که به تعبیر خودش هم برای او دانشین باشد و هم بتواند اثری ماندگار در حافظه مخاطب به جا بگذارد.

بردیوم و هم مخاطبان استقبال کردند. کاردان گفت: اصل اول من این است که کاری را که دوست نداشته باشم انجام نمی‌دهم؛ چه در رادیو، چه تلویزیون و چه دوبله. وقتی کاری را دوست داشته باشم، تمام توانم را می‌گذارم. برای این فیلم پیشنهاد دادم بعضی قسمت‌ها کوتاه‌تر یا توضیحی اضافه شود و آقای استادی هم می‌پذیرفتند. به نظرم فیلم اگر تدوین و کات‌های مجدد می‌خورد، زیباتر می‌شد، چون حرف‌های زیادی داشت و گنجاندن همه آنها در زمان محدود کمی خسته‌کننده بود. او تأکید کرد که کوتاه یا بلند کردن جملات و قابل فهم‌تر کردنشان از چالش‌های اصلی این پروژه بود.

وی درباره ساختار فیلم افزود: اگر «بنز ایرانی» ساخته خودم بود، به آن موسیقی و افکت اضافه می‌کردم. چون اگر یک مستند تماماً متن باشد، کمی خسته‌کننده می‌شود. مخاطب وقتی یک ساعت و نیم یا دو ساعت روی صندلی سینما می‌نشیند، وظیفه‌اش را انجام داده و این فیلم است که باید او را درگیر کند. از نگاه او، یک اثر مستند علاوه بر اطلاع‌رسانی باید ریتم و تنوع شنیداری و دیداری داشته باشد تا مخاطب همراهی خود را از دست ندهد.

کاردان در ادامه درباره شیوه گویندگی و انتخاب لحن توضیح داد: برای من مهم است متن قابل فهم خوانده شود و از کلمات سخت استفاده نشود. متأسفانه برخی نویسندگان از ادبیات درست فاصله گرفته‌اند و صرفاً حرف می‌زنند. توصیه می‌کنم به ادبیات توجه کنند. به طور کلی انتخاب من در دوبله یا مستندسازی، لحن درست است؛ نه صرفاً شوخ‌طبعی و نه جدیت. باید به متن یا شخصیت وفادار بود، نه اینکه به کلیشه‌ها تن داد. در سینمای ما کلیشه شده که راننده کامیون یا تاکسی باید فحش بدهد، در حالی که باید حس شخصیت منتقل شود نه کلیشه‌های از پیش ساخته. او تأکید کرد که در گویندگی مهم‌ترین اصل، درست رساندن حس متن به مخاطب است و نه زیاده‌روی در شوخی یا جدیت.

او درباره بازخورد‌های فیلم نیز توضیح داد: چون فیلم خوب توزیع و تبلیغ نشد، بازخورد زیادی ندیدم. اما روز اکران در سینما سالن پر بود و با اینکه فیلم طولانی بود، کسی سالن را ترک نکرد. صدای خنده مخاطبان نشان می‌داد ارتباط خوبی برقرار شده است. در نقدها هم بعضی‌ها از صدا و اجرا تعریف کرده بودند و برخی اصل موضوع فیلم را زیر سؤال برده بودند. این نشان می‌داد فیلم توانسته بود بحث و گفت‌وگو ایجاد کند و همین به نوعی موفقیت محسوب می‌شود.

داریوش کاردان، بازیگر، مجری و صداپیشه پیشکسوت سینما و تلویزیون درباره همکاری خود در مستند «بنز ایرانی» به صبا گفت: من از دهه ۶۰ کار گویندگی و مستندخوانی را آغاز کردم. بسیاری از سریال‌های مستند را دوبله کرده‌ام و روایت‌ها و نریشن‌های مستندهای ایرانی را هم گفته‌ام. در طول زندگی‌ام همیشه درگیر گویندگی و دوبله بوده‌ام. برای فیلم «بنز ایرانی»، آقای رضا استادی از من خواستند که این کار را بخوانم و راستش من را گیر انداختند. از ابتدا خواستم فیلم را ببینم. ایشان فیلم را در لپ‌تاپ خود نمایش دادند و وقتی دیدم و خوشم آمد، پذیرفتم که گوینده متن باشم. این فیلم نکات جالبی داشت؛ کمی نیش‌دار، کنایه‌آمیز و طنز که ترکیب اینها با سلیقه من هماهنگ بود. علاوه بر این، اطلاعات خوبی هم به مخاطب می‌داد و همین باعث شد کار را انجام دهم.

او توضیح داد که دشواری اصلی کار در این بود که متن در ظاهر جدی نوشته شده اما در عمق خود لحن طنز و طعنه داشت و این موضوع برای گوینده سختی‌هایی ایجاد می‌کرد. به گفته او، اگر متن همان‌طور جدی خوانده می‌شد، برای مخاطب خسته‌کننده بود و اصل ماجرا منتقل نمی‌شد، در حالی که اگر بیش از حد به شوخی پرداخته می‌شد، محتوای تاریخی و پژوهشی کار زیر سؤال می‌رفت. او افزود: بنابراین مجبور بودم با لحنی خاص، شوخی‌ها را القا کنم، در حالی که متن در ظاهر عادی جلوه می‌کرد. همین تغییر لحن مداوم باعث می‌شد خط به خط اجرا انرژی زیادی بخواهد. ضبط

تکه‌تکه و تغییر برخی بخش‌ها سخت و خسته‌کننده بود، اما نتیجه نهایی دلنشین شد و وقتی در سالن نمایش دیدیم، هم خودمان لذت



آب

مفازات

KING OF WATER

نویسنده و کارگردان:
مجید اسماعیلی

تهیه‌کننده:
مجتبی امینی